

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده زبان شناسی

پایان نامه دکتری رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی

بررسی آیین نامه‌نگاری در زبان‌های ایرانی میانه

استاد راهنما:
دکتر زهره زرشناس

استادان مشاور:
دکتر کتابون مزداپور
دکتر محمود جعفری دهقی

پژوهشگر:
شیما جعفری دهقی

شهریورماه ۱۳۹۱



تقدیر و تشکر

در آغاز خداوند متعال را شکر می‌کنم که یاری کننده
اصلی اوست

سپاس بی‌پایان از استاد گرامی، سرکار خانم دکتر زهره
زرشناس که از رهنمون‌های ایشان در دوره کارشناسی ارشد،

نیز دکتری بهره بردم و ایشان استادی دلسوز بوده، همواره مرا راهنمایی کردند. خود را وام‌دار آن بزرگوار می‌دانم. همچنین از استاد بزرگوار، سرکار خانم دکتر کتایون مزداپور کمال تشکر را دارم. ایشان نیز همواره با لطف بی‌دریغ خود مرا راهنمایی کردند.

از پدر و استاد عزیزم، دکتر محمود جعفری دهقی نام می‌برم. ایشان نخستین بار مرا با فرهنگ و زبانهای ایران باستان آشنا کردند و در همه مراحل زندگی، پدری مهربان و معلمی صبور بودند برای سپاسگزاری از ایشان واژه‌ای پیدا نمی‌کنم. البته سالها تحصیل بدون زحمات و دلسوزی مادری مهربان میسر نمی‌شود. مادرم، از شما نیز سپاسگزارم که شرایط تحصیل مرا در این سالها فراهم و در تمامی مراحل زندگی مرا یاری کردید.

در پایان از اساتیدم در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی کمال تشکر و قدردانی را دارم که طی دوره کارشناسی ارشد و دکتری افتخار تحصیل در محضر ایشان را داشته‌ام.

چکیده

نامه‌نگاری از دیرباز یکی از ابزارهای ارتباط انسانها بوده است. نخستین شواهد موجود از نامه‌نگاری در ایران متعلق به دوره هخامنشیان است. از این دوره حدود سیزده نامه کامل و چند قطعه آسیب دیده بر روی چرم در مصر به دست آمده و به «نامه‌های ارشام» مشهور است.

پس از عصر هخامنشی نیز نامه‌نگاری و سازمان پستی گسترش یافت چنانکه امروزه نامه‌های بسیاری به زبانهای ایرانی میانه باقی مانده است. از دوره اشکانی، کتیبه اردوان سوم، آثار نسا و نامه‌های میترا داس دوم موجود است. همچنین در آثاری چون یادگار زریران و ویس و رامین می‌توان الگوی نامه‌نگاری دوره اشکانی را مشاهده نمود.

دوره ساسانی را می‌توان اوج شکوفایی ادبیات میانه و از جمله فن نامه‌نگاری دانست. اهمیت نامه‌نگاری در این دوره تا آن اندازه بود که رساله‌ای با عنوان «آیین نامه نویسی» نوشته شد و در آن الگوی نگارش آغاز و پایان نامه‌ها به دبیران یادآوری شد. گزارشهای مورخان، در دوره ساسانی نامه‌ها بدست «دبیران» و به خطی ویژه به نام «frawardag-dibīrīh» نوشته می‌شد. شرح بسیاری از نامه‌های شاهان ساسانی (مثلاً نامه شاپور دوم به کُئستان‌تین، امپراتور روم و یا نامه خسرو اول به فرمانروای روم، ژوستینین) در آثار مورخان ذکر شده.

نامه‌های بسیاری به دیگر زبانهای ایرانی میانه همچون سغدی، بلخی و خُتنی نیز در دست است. این مجموعه شامل پنج نامه کامل و تکه‌هایی از چند نامه دیگر است. از جمله دیگر نامه‌هایی که به زبان سغدی در دست است، مجموعه‌ای است که در خرابه‌های دژی در کوه مغ، در نزدیکی پنجکنت، در تاجیکستان یافت شده. اسناد کوه مغ که تعدادشان به بیش از هفتاد و شش می‌رسد و با مرکب چین بر کاغذ، چرم، ابریشم و چوب نوشته شده‌اند، به ربع نخست سده هشتم میلادی باز می‌گردند.

گروه دیگر نامه‌های ایرانی میانه، از متون زبان بلخی و مجموعه اسنادی است که نخستین بار در سال ۱۹۹۱ بوسیله پرفسور سیمز ویلیامز کشف و معرفی شد. اکنون، مجموعه اسناد بلخی که می‌توان آنها را از جمله نامه‌ها دسته‌بندی کرد به حدود یکصد رسیده است... بسیاری از آنها به صورت نامه‌اند، پاره‌ای از آنها هنوز مهر و موم‌اند و بنابراین بسیار خوب باقی‌مانده‌اند.

تعدادی مکاتبات شخصی نیز در مجموعه آثار بازمانده به زبان ختنی است. بیشتر این آثار متون بودایی و ترجمه آثار سنسکریت یا پراکریت هستند با این حال، تعدادی نامه منظوم نیز به زبان ختنی باقی‌مانده است.

برای بررسی آیین نامه‌نگاری در زبانهای ایرانی میانه نمی‌توان به آثاری که به زبان فارسی در نخستین سده‌های دوره اسلامی نگارش شده‌اند بی توجه بود. به عنوان مثال قدیمی‌ترین نامه به زبان فارسی یهودی، نامه دندان اویلیق است که بدون شک بررسی آن ما را یاری خواهد داد تا برخی الگوهای متداول نگارش را در مرحله انتقال زبان از فارسی میانه به فارسی نو بازشناسیم. آثاری همچون نامه‌های مذکور در شاهنامه و نقل قولها و گزارشهای مورخان عرب نیز درخور توجه‌اند. چه شرح بسیاری از نامه‌های دوره ساسانی که هم‌اکنون در دست نیست، در آثار مورخان عرب آمده است.

بررسی نامه‌ها و آیین نگارش آنها می‌تواند آگاهی‌هایی از جنبه‌های زبان‌شناختی، تاریخی، فرهنگی و مردم‌شناسی برای محققان، دانشجویان و پژوهشگران فراهم سازد. امید است که این تحقیق بخشی از این خویشتکاری را انجام داده باشد.

فهرست مطالب:

مقدمه	۱
پیشینه تحقیق	۹
۱- نامه‌های آرامی	
۱-۱ نامه‌های ارشام	۱۶
۲- نامه‌های پارتی (پهلوی اشکانی)	
۲-۱ کتیبه اردوان سوم	۲۴
۲-۲ آثار نسا	۳۰
۲-۳ نامه‌های مهرداد اول	۳۲
۲-۴ سفال‌نوشته‌های موزه دانشگاه پنسیلوانیا	۳۴
۲-۵ یادگار زیران، نامه گشتاسپ به ارجاسپ	۴۳
۲-۶ نامه‌های ویس و رامین	۴۵
۲-۷ نامه‌های مانوی اشکانی	۴۷
۲-۸ نامه‌ای از یک مقام دینی (احتمالاً سسینیوس) به مارامو	۴۷
۲-۹ نامه‌ای ساختگی به مارامو، از اصل دیناوریه	۵۱

۳- نامه‌های فارسی میانه

- ۳- ۱ نامه‌های خسرو دوم ۵۴
- ۳- ۲ رساله آیین نامه‌نگاری ۶۰
- ۳- ۳ نامه‌های منوچهر ۶۹
- ۳- ۴ نامه تنسر ۷۴
- ۳- ۵ نامه‌های فارسی میانه مانوی ۸۵

۴- نامه‌های سغدی

- ۴- ۱ نامه باستانی شماره یک ۹۳
- ۴- ۲ نامه باستانی شماره دو ۹۷
- ۴- ۳ نامه باستانی شماره سه ۱۰۸
- ۴- ۴ نامه باستانی شماره چهار ۱۱۴
- ۴- ۵ نامه باستانی شماره پنج ۱۱۶
- ۴- ۶ اسناد کوه مغ ۱۲۴
- ۴- ۷ نامه عبدالرحمن صُبج به دیواشتیج ۱۲۸
- ۴- ۸ آغاز نامه دیواشتیج به افشون، پادشاه خاکسر ۱۳۲
- ۴- ۹ آغاز نامه رَوَخشیان، پادشاه پارتان به دیواشتیج ۱۳۲
- ۴- ۱۰ آغاز نامه فَتوفَرَن به دیواشتیج ۱۳۳
- ۴- ۱۱ نامه‌های سغدی مانوی ۱۳۵

۵- نامه‌های بلخی

- ۵- ۱ نامه‌های ba تا xn ۱۸۹-۱۳۶
- ۶- نامه‌های ختنی ۱۸۹-۲۰۴
- ۷- نامه دندان اویلیق ۲۰۴
- ۸- نامه‌های شاهنامه ۲۱۱
- ۹- نامه‌های مذکور در منابع دوره اسلامی ۲۱۴
- ۱۰- نامه‌های مذکور در منابع یونانی و رومی ۲۱۵
- ۱۱- دبیران ۲۱۵
- نتیجه‌گیری ۲۱۸
- فهرست منابع و مآخذ ۲۲۲

Abstract

Correspondence and its techniques has been a major part of the Persian Literature through out history. The oldest evidence for correspondence in Iran is from the Achaemenid Dynasty. The collection of these letters contain thirteen complete letters and some damaged fragments.

During the Parthian and Sassanian period this postal service which was established during the Achaemenid Dynasty was expanded and continued and there are a lot of letters written in Middle Iranian Languages remaining today. Although the evidence surviving from the Parthian period is scant, the inscription of Artaban III, the Parthian ostraca from Nisa and the Letter of Mithradates to his brother are types of correspondence in Parthian. Also, letter writing formulas from Parthian can be traced from the Pahlavi treatise *Ayādgār ī Zarērān* and the Persian romance *Vīs o Rāmīn*.

The Sassanian era can be considered as the golden age of the Middle Persian Literature and therefore of correspondence techniques before Islam. Correspondence was so important and extended at this time that a manual on letter writing was compiled. There are also a number of Middle Persian letters on papyrus and parchment from the time of Khosrow II in Egypt. We can also mention the Epistles of Manučihr and Nāme-ye Tansar as sources for investigating the correspondence techniques in pre-Islamic Iran.

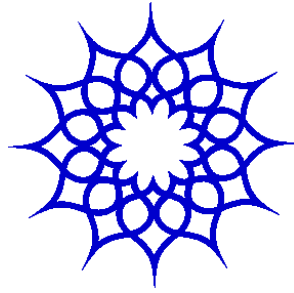
Many letters have been found in other Middle Iranian Languages such as Bactrian, Sogdian and Khotanese. The oldest should be the Sogdian Ancient Letters. These letters written on Chinese paper were found in a watch tower on the Chinese Great Wall. They contain five complete and some fragmentary letters. There are also another collection of letters (more than 76) called the Mog Documents in Sogdian. The most important letter in this collection is a letter from an Arab Emir to Dewāštič the king of Sogd and Samarkand.

The other main group of letters in another Middle Iranian language is a collection of almost one hundred complete and fragmentary documents in Bactrian.

There are also some private letters found in the extant texts in Khotanese.

Islamic sources, in which earlier letters were translated into Arabic or Persian, provide some additional information about correspondence in the Sassanian period. Arabic historians such as Tabari, Masudi and Ebn al-Nadim describe some of the letters written by Sassanian kings. There is also a very early Judeo-Persian letter, Dandān ī Uylīq which has a very interesting language. A number of letters about military affairs are contained in the Shāh nāmē, they include examples written by Persian kings to other rulers, governors and army commanders as well as the replies.

The analysis of correspondence techniques in Middle Iranian languages gives many linguistic, historical, cultural and anthropological information to both scholars and students. I hope that by doing the present work I have accomplished some of this task.



Ministry of Science, Research & Technology
Institute for Humanities and Cultural Studies
Postgraduate Studies Management
Faculty of Linguistics

Ph.D Thesis

**Title: Correspondence Techniques in Middle Iranian
Languages**

Supervisor:
Dr. Zohre Zarshenas

Advisor:
Dr. Katayun Mazdapour

Advisor:
Dr. Mahmoud Jaafari Dehaghi

By:
Shima Jaafari Dehaghi

September 2012

مقدمه

شکل‌گیری روند برقراری ارتباط از طریق نوشته‌ای که توسط شخص ثالثی بدست گیرنده برسد، احتمالاً از زمان ابداع خط آغاز شد. با این حال، توسعه و گسترش این نظام به دوره‌های بعد مربوط می‌شود. نخستین شاهد برای استفاده از نظام نامه‌نگاری در مصر بوده که در آنجا فراغنه از پیکه‌هایی برای ارسال نامه‌های خود استفاده می‌کردند. چنین شواهدی به حدود ۲۴۰۰ پ.م. مربوط می‌شود.

این در حالی است که نخستین مدعی برای ایجاد نظام پست و نامه‌نگاری، ایران باستان است. گزنفون مورخ مشهور در اثر خود کوروش نامه، از نامه‌ای یاد می‌کند که کوروش به خشثریته نوشته و نشان دهنده آغاز نامه‌نگاری در زمان مادها در ایران است. قدیمی‌ترین شواهد در دست متعلق به نامه‌هایی است که میان دربار هخامنشی و ساتراپ مصر (ارشام) نوشته شده است. این نامه‌ها مجموعاً سیزده عدد است که بر روی چرم و به خط آرامی نوشته شده. بطور کل نظام پستی ایران در زمان هخامنشیان زبانزد تمامی ملتها بوده. هرودوت^۱ در اثر خود از سریع بودن پیکه‌های ایرانی خبر می‌دهد و می‌گوید نه برف و نه باران، نه گرما و نه تاریکی شب پیکه‌های تندرو را از انجام دادن خدمتی که به آنها محول شده است باز نمی‌دارد. بنا به گفته هرودوت، پیکه‌ها در طول مسیر یک روزه سوارکار قرار می‌گرفتند و نامه را هر پیک در مرحله‌ای از راه به پیک بعدی می‌سپارد. او حتی نام این پیکه‌ها را در زبان فارسی “angaros” ذکر کرده که بعدها واژه Angel در زبان انگلیسی به معنی «فرستاده» نیز از همین ریشه است. بنابراین آغاز نظام پستی و نامه‌نگاری در این زمان پایه‌گذاری شد و در دوره‌های بعد این نظام پیشرفت قابل توجهی کرد. پس از دوره هخامنشی، در دوره اشکانیان با تبدیل خط از آرامی به پهلوی، نامه‌نگاری افزایش یافت. به

^۱ - به نقل از تفضلی، احمد، مدخل «Correspondence in pre-Islamic Persia» در دانشنامه ایرانیکا، ص ۲۸۷.

^۲ - همان، ص ۲۷۸.

گفته طبری «پس از اینکه اشک، بنیان‌گذار سلسله اشکانی به قدرت رسید، نام خود را در مراسلات پیش از نام دیگران می‌نوشت». در سفال‌نوشته‌های مکشوف در نسا، تعدادی نوشته موجود است که ظاهراً باید پیش‌نویس و یا مشق برای نگارش نامه به شمار می‌روند. بر روی این سفال‌ها با مرکب نوشته شده «به برادرم میترا دس، سلام علیکم» و همین عبارت چندین بار بر روی سفال‌ها تکرار شده گویی که نویسنده قصد تمرین نوشتن داشته. در ابتدا اینکه زبان سفال‌نوشته‌های نسا را آرامی بدانند و یا پارتی بحث بسیار بود اما امروزه (با تحقیقات هارماتا و سایر دانشمندان) بر پارتی بودن آنها اتفاق نظر است. بنابراین با اینکه در آغاز دوره اشکانی دو زبان غیر ایرانی یعنی یونانی و آرامی رایج بود، نگارش نامه صورت می‌گرفت. کتیبه‌ای که اردوان سوم به مردم شوش و به زبان یونانی نوشته نیز ساختار نامه دارد. شیوه نگارش در دوره پارتی را می‌توان در آثاری متاخرتر همچون یادگار زیران و منظومه عاشقانه ویس و رامین مشاهده کرد. در هر دو اثر نامه‌هایی رد و بدل شده که شرح آنها آمده. در ویس و رامین چنین ذکر شده که نامه‌های عاشقانه را بر روی حریر و با مرکب معطر می‌نوشتند.

با ظهور آیین مانی در ایران بدون شک نگارش نامه بیشتر شد. مانی بدلیل سفرهای متعدد و علاقه‌ای که به نگارش عقاید خود برای سایر اقوام داشت آثار بسیاری از خود برجای گذاشت. تعداد نامه‌های مانوی اشکانی اندک است اما به زبان فارسی میانه نامه‌های زیادی در دست است. نامه‌نگاری چنان در میان مانی و پیروانش رواج داشت که نام یکی از آثار متعلق به او را نامه‌ها یا به قول ابن‌ندیم رسائل گذاشتند. ابن‌ندیم فهرستی از عناوین هفتاد و هفت نامه‌ای را که مانی به رهبران جوامع مانوی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف نوشته بود، آورده است. این مجموعه در ترجمه فارسی میانه آنها «دیوان» (مجموعه نامه‌ها) نامیده می‌شده و همین عنوان نیز در یک سند مانوی به چینی از فارسی میانه وام گرفته شده است. احتمالاً عنوان رسائل مانی در زبان اصلی یعنی آرامی

نیز «دیوان» بوده است. اصل این نامه‌ها به تمامی نه به زبان اصلی باقی‌مانده و نه به صورت ترجمه در یکی از زبان‌های ایرانی، اما از بعضی از آن‌ها نقل‌قول‌های کوتاهی، که صورت اندرز و سخنان حکیمانه دارد، در بعضی از متون فارسی میانه و سغدی مانوی آمده است. از جمله «نامه بزرگان» به فارسی میانه که احتمالاً همان نامه شماره ۲ در فهرست ابن‌ندیم با عنوان «رساله الکُبراء» است؛ «نامه هتا» به فارسی میانه که همان نامه ۶۶ در فهرست ابن‌ندیم با عنوان «رساله حطا» است؛ «نامه میشون» به فارسی میانه که احتمالاً همان نامه شماره ۳۳ در فهرست ابن‌ندیم با عنوان «رساله هند العظیمه» است؛ «نامه ارمن» به فارسی و سغدی که همان نامه شماره ۸ در فهرست ابن‌ندیم با عنوان «رساله ارمینیه» است؛ «نامه سیسن پتی» به سغدی که ظاهراً همان نامه شماره ۲۴ در فهرست ابن‌ندیم با عنوان «رساله سیس و فتق فی‌الصُور» است.^۳ در بیشتر این نامه‌ها آغاز و پایان از بین رفته است و برای بررسی شیوه نامه‌نگاری اطلاعات چندانی در اختیار ما نمی‌گذارند. با این حال در «نامه‌ای ساختگی به مار امو، از اصل دیناوریه» دو اصطلاح نامه نگاری که جای دیگری ذکر نشده آمده: «ēdar-nām» برای ذکر نام فرستنده نامه و «abdar-nām» برای ذکر نام مخاطب (نک ص ۳۴).

نامه‌ها و پاپیروس‌نوشته‌هایی که در مصر کشف شدند (در متن حاضر با عنوان نامه‌های خسرو دوم)، بخش بزرگی از نامه‌های فارسی میانه را به خود اختصاص می‌دهند. این آثار که متعلق به دوره حکومت کوتاه مدت ساسانیان (یعنی ۶۱۹ - ۶۲۹ م) در مصر است، در موزه‌های مختلف در سراسر جهان نگهداری می‌شوند و شامل اسناد اقتصادی، سیاسی و نامه‌ها می‌باشند. این آثار به عنوان منابع دست اول برای بررسی مسائل تاریخی آن دوره به شمار می‌روند. با این حال، بجز تعداد اندکی از این اسناد، اکثر آنها بصورت قطعه‌های ناقص بدست ما رسیده و بررسی کامل آنها با توجه به اینکه بخش اعظم آنها از بین

^۳ - تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، صص ۳۳۹ - ۳۴۰

رفته کار بسیار دشواری است. بعلاوه، خطی که این پاپیروسها بدان نوشته شده، خطی شکسته است که خوانش آن نیز دشوار است.

بدون شک ارزشمندترین اثر برای بررسی آیین نامه‌نگاری در فارسی میانه، رساله «آیین نامه نویسی» است. نویسنده اصلی عنوانی برای این متن ذکر نکرده و همانند سایر متون پهلوی، تذهیبگر این عنوان را برای متن برگزیده است. هدف این رساله کوچک فراهم آوردن الگوهایی برای دبیران بوده است که چگونه در موارد و مناسبت‌های گوناگون نامه بنویسند. مانند این که نامه تسلیت چگونه آغاز شود: (nāmag pad bēš-pursišnīh ud hunsandīh dādan) یا خطاب به اشخاص بالادست و فرودست یا اقوام و دوستان چگونه باشد. یا نامه را با چه عباراتی باید آغاز کرد و به پایان آورد یا اگر شتابی در کار است، نامه چگونه باشد. جز در این مورد، در موارد دیگر نامه با جملات خطابی مفصل آغاز می‌شود. الگوهای مذکور در این رساله اطلاعات بسیاری درباره شیوه نگارش در دوره ساسانی در اختیار ما قرار می‌دهد. تعدادی از الگوهای مذکور در این رساله را می‌توان در دیگر نامه‌های آن دوره (مثلاً نامه‌های منوچهر) مشاهده کرد.

سه اثر از منوچهر، موبدان موبد کرمان به زبان فارسی میانه در دست است که برای بررسی شیوه نگارش نامه در آن زمان در خور توجه است. نامه‌های منوچهر در رد بدعت‌هایی است که برادرش، زاداسپرم، در مورد ساده کردن مراسم تطهیر برش‌نوم نهاده بود و خشم بسیاری از متعصبان سنت‌گرا را برانگیخته بود. نامه اول منوچهر، خطاب به مردم سیرجان کرمان و نامه دوم، خطاب به برادرش، زاداسپرم، و نامه سوم، که باید آن را فتوایی دینی به شمار آورد، خطاب به به‌دینان است و تاریخ ۲۵۰ یزدگردی (برابر با ۸۸۱ م) دارد. سبک نامه‌های منوچهر دشوار است و همانگونه که وی خود اذعان دارد، در نگارش چندان مهارتی نداشته است. با توجه به عبارتهای آغاز نامه‌ها متوجه می‌شویم که منوچهر از

عبارت‌های ذکر شده در رساله آیین نامه‌نویسی استفاده کرده است. مثلاً در آغاز نامه اول چنین آمده:

nām ī yazadān kē-tān dagr zīwišnīh drust rawišn mehmānīhā ahlāyīh waxšīšn ud xrad
pānagīhā ruwān frēstād. nūn...

که دقیقاً معادل بند یک در رساله آیین نامه‌نویسی است. اگرچه نامه تنسر به زبان اصلی یعنی فارسی میانه در دست نیست، می‌توان از برگردان فارسی آن برای یافتن رد پایی از الگوی نگارش نامه استفاده کرد. رساله کوچکی است که آن را ابن مقفع از پهلوی به عربی ترجمه کرده بود. اکنون اصل پهلوی و ترجمه عربی آن در دست نیست. در اوایل قرن هفتم هجری متن عربی این نامه را ابن اسفندیار (بهاء‌الدین محمد پسر حسن پسر اسفندیار) به فارسی ترجمه کرده و آن را در تاریخ طبرستان خود گنجانیده است. از مقدمه این ترجمه فارسی معلوم می‌گردد که ترجمه ابن مقفع مبتنی بر روایت بهرام پسر خورزا بوده که از هویت او خبری نداریم. به نظر می‌رسد که وی تدوین کننده یا کاتب اصل پهلوی این نامه بوده است.

این نامه را تنسر (صورت درست آن توسر)، هیربدان هیربد اردشیر در پاسخ به گشنسپ، شاه طبرستان و پدشخوارگر گیلان و دیلمان و رویان و دماوند نوشته است. وی ظاهراً به بعضی از اقدامات اردشیر به دیده انتقاد می‌نگریسته و در نامه‌ای به تنسر از او خواسته است که دلیل چنین اقداماتی برای او بیان گردد.

نامه با چنین عبارتی آغاز می‌شود: «از جشنسف شاه و شاهزاده طبرستان و برشواذگر جیلان و دیلمان و رویان و دنباوند نامه پیش تنسر هربد هرابده رسید، خواند، و سلام می‌فرستد، و سجود می‌کند، و هر صحیح و سقیم که در نامه بود مطالعه رفت، و شادمانه شد، اگرچه برخی برسداد بود و برخی با فساد، امید است که آنچه صحیحست زاید گردد و آنچه سقیم است بصحت نزدیک شود.»

این عبارت معادل همان عبارت متداول برای آغاز نامه‌های فارسی میانه است: «از فلانی به فلانی...»

نامه‌های فارسی میانه مانوی به صورت کامل و مجزا بدست ما نرسیده. ابن‌ندیم فهرستی از عناوین ۷۷ نامه‌ای را که مانی به رهبران جوامع مانوی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف نوشته بود، آورده است. اصل این نامه‌ها به تمامی نه به زبان اصلی باقی‌مانده و نه به صورت ترجمه در یکی از زبان‌های ایرانی، اما از بعضی از آنها نقل قول‌های کوتاهی، که صورت اندرز و سخنان حکیمانه دارد، در بعضی از متون فارسی میانه و سغدی مانوی آمده است. متأسفانه در اکثر این نامه‌ها بخش آغاز و پایان نامه از بین رفته و از لحاظ درک چگونگی نگارش نامه کمک چندانی به ما نمی‌کنند.

بیشتر دانشمندان نامه‌های باستانی سغدی را که در سال ۱۹۰۷ میلادی در یکی از برج‌های مخروبه‌ی دیوار قدیمی چین، بین لولان و دُون‌هوان کشف شد، کهن‌ترین متن زبان سغدی می‌دانند. این نامه‌ها از طرف مهاجرین سغدی که در ژووان و گچان دو شهر مرزی چین مستقر بودند به خویشاوندان و بستگان‌شان در سمرقند نوشته شده است. از متن یکی از نامه‌ها چنین برمی‌آید که این بازرگانان با نمایندگان تجاری خود در شهرهای بزرگ چین مثل خُمدان و سَزُغ ارتباط داشتند. در این نامه‌ها علاوه بر مطالب خصوصی و خانوادگی، اطلاعات جالبی درباره‌ی اوضاع سیاسی چین و دوران پرآشوب تاریخ آن سرزمین مشاهده می‌شود. جنس این نامه‌ها کاغذ است و بر قسمت خارجی نامه نام فرستند و گیرنده در عبارت «از فلانی به فلانی» ذکر شده. نامه‌های شماره دو و سه با عبارت «به خداوندگار، سرور» (xwt'w/ βγ) آغاز می‌شوند. نامه‌های باستانی سغدی از لحاظ آیین نگارش بسیار در خور توجه‌اند. عبارات و اصطلاحات بسیار جالبی در این نامه‌ها به چشم می‌خورد. در نامه شماره یک، ابتدا نام گیرنده ذکر می‌شود و این بدان علت است که این نامه‌ای خصوصی و از طرف زن به شوهرش است. در پایان برخی از این نامه‌ها تاریخ نگارش ذکر شده. اسناد یافت شده در خرابه‌های دژی در کوه مُغ در نزدیکی پَنجکنت از متون مهم سغدی به شمار می‌روند.

اسناد کوه مُغ که تعدادشان به بیش از هفتاد و شش می‌رسد و با مرکب چین بر کاغذ، چرم، ابریشم و چوب نوشته شده‌اند، به ربع نخست سده هشتم میلادی بازمی‌گردند و شامل این متون می‌شوند: نامه‌های سیاسی و اداری و تجاری، اسناد بایگانی و حسابداری، اسناد حقوقی و قضایی، صورت حسابهای مالیاتی، اجاره‌نامه زمین، شرح درباره اوضاع بازار و یک عقدنامه. این اسناد از بایگانی دیواشتیج، آخرین فرمانروای سغد (۷۰۶-۷۲۲ م) به‌دست آمده‌اند. مهمترین سند در این مجموعه، نامه امیری عرب به نام «عبدالرحمن بن صُبَح» به دیواشتیج است. شیوه خطاب در بیشتر نامه‌ها بسیار ساده است که ابتدا نام و لقب فرستنده نامه آغاز می‌شود و پس از آن نام گیرنده: «از فلانی به فلانی، درود» (MN sywδyk MLK' δyw'štyc 't) «از دیواشتیج، شاه سغد، به اُوت، فرماندار، درود». اگر فرستنده نامه از مقام پایین‌تری برخوردار بود، نامش پس از نام گیرنده و با لقب «بنده» ذکر می‌شد: xypθ βntk . پس از نام گیرنده، عبارتی طولانی برای بزرگداشت او ذکر می‌شد: «به آفرון، سرور، خداوندگار، پشتیبان بزرگ، بزرگترین پشتیبانان، فرماندار منطقه خاُخ‌سَر (نام منطقه)، فرستاده شده توسط ریوُک، کمترین و میلیون بار کوچکترین بنده شما. ستایش بسیار برای شاه فَرَه‌مَند» (t' βyw xwβw RBch'nwth MN wyspn'cy 'nwty 'msy'tr x'xsrow xwβw 'pr'wn pyšt MN در xypδ kstr 100RYPWmyk βntk ryw'kk ptškw'nh ZY βyy ZKn RB-prn γβy nm'cyw برخی از نامه‌ها، عبارت آغاز نامه در پایان نیز تکرار شده است.

سغدیان تاجرپیشه و هنر دوست، که واسطه انتقال کالا، فرهنگ و هنر بین دو دنیای شرق و غرب چین، ایران، هند و روم بودند، فعال‌ترین مبلغان ادیان بودایی، مانوی و مسیحی در میان اقوام آسیای میانه و چین به‌شمار می‌رفتند. تنوع مدارک بدست آمده به زبان سغدی نیز فعالیت دینی این مهاجر نشینان دور از وطن را جلوه‌گر می‌کند. از جمله متون سغدی مانوی است. بیشتر این متون که در صومعه مخروبه‌ای در

ثوئوق، نزدیک تورفان پیدا شده، مطالب فلسفی و بنیادی آیین مانی را بیانی آمیخته به تمثیل و داستان طرح می‌کنند. در این مجموعه متون، نامه‌های مانوی نیز وجود دارد. اما این متون که همراه با متون و کتابهای مانوی به زبان‌های دیگر توسط هیات اکتشافی آلمانی کشف شده‌اند، اغلب به علت پاره پاره بودن و از هم گسیختگی، آسیب‌دیدگی و کیفیت نامناسب محل کشف، کمتر ترجمه و منتشر شده‌اند.

گروه دیگر از متون، به زبان بلخی است. این اسناد در دهه ۱۹۹۰ میلادی کشف شد و بیشتر آنها از طریق بازار پیشاور از بازارهای بین‌المللی سر در آورده و به مجموعه‌های خصوصی در لندن و دیگر جاها راه یافته است. بسیاری از این اسناد نامه هستند و برخی از آنها هنوز مهر دارند. این اسناد بر چرم، پارچه و حتی بر قطعات چوب نوشته شده‌اند. نخستین بار در سال ۱۹۹۱ سیمز ویلیامز به آنها توجه کرد. یکی از این اسناد بر روی چرم در ۲۸ سطر با خط شکسته بلخی نوشته شده بود که آن را تبدیل به یکی از مهمترین نمونه‌های این خط می‌ساخت که تا آن زمان شناخته شده بود. سیمز ویلیامز درباره این اسناد چنین می‌نویسد: «پاره‌ای از واژه‌های آن بلافاصله قابل تشخیص بودند... اما بسیاری از واژه‌های دیگر بودند که امکان خواندنشان میسر نبود... یک روز سر نخ بسیار مهمی به دست آوردم. داستان مربوط به پژوهشی بود که من به تازگی در باب عبارتهای مربوط به خطاب و احوالپرسی در آغاز نامه‌ها در زبان سغدی انجام داده بودم. ناگهان این نکته به ذهنم رسید که عبارت مشابهی از زبان بلخی پیش چشم من است: «یک هزار و ده هزار درود و احترام از سوی فلان بنده تو بر شما، خداوندگار باد. از اینکه خداوندگار به سلامت‌اند خوشنودم، اما اگر خود بتوانم آن خداوندگار را به سلامت ببینم و او را نماز برم بیش از این خوشحال خواهم شد.»

یک چنین سندی، خود کشفی بزرگ بود اما در مقایسه با آنچه در آینده به دست می‌آمد چندان چیزی به حساب نمی‌آمد. اکنون، مجموعه اسناد بلخی به حدود یکصد رسیده است. این اسناد به

دست دلان گوناگون افتاده است. در بیشتر موارد هیچ‌گونه گزارشی از منشا اصلی آنها در دست نیست، هرچند که با اطمینان گفته شده که پاره‌ای از آنها در منطقه سَمَنگان یا بامیان پیدا شده است. عبارات آغاز و پایان نامه‌های بلخی شباهت بسیاری با نامه‌های سغدی دارد. عبارت آغاز که در نامه‌های بلخی بسیار متداول است «از طرف فلانی به فلانی، هزار و ده هزار درود». نکته قابل توجه در مورد نامه‌های بلخی این است که در برخی موارد علاوه بر ذکر نام فرستنده و گیرنده بر بیرون نامه، موضوع نامه نیز ذکر شده است.

ادبیات ختنی از جمله ادبیات غنی زبان‌های ایرانی میانه شرقی به شمار می‌آید. اگرچه بیشتر این آثار را متون دینی تشکیل می‌دهد، تعدادی نامه نیز در مجموعه آثار مکتوب به این زبان به چشم می‌خورد. تمامی این اسناد در منطقه دُونْ هُوَان کشف شده و اکنون در مجموعه پلیوت (Pelliot) در کتابخانه ملی پاریس و در مجموعه استاین (Stein) در کتابخانه بریتانیا در لندن نگهداری می‌شوند. جنس این نامه‌ها کاغذ چینی است. امریک در سال ۱۹۷۵ قطعه کوچکی از این مجموعه را بررسی کرد. وی عبارت آغاز اینگونه نامه‌های ختنی را همان عبارت مرسوم در «ادبیات haṣḍa» می‌شمارد. تاریخ نگارش این نامه‌ها را بین سده‌های هشتم تا دهم میلادی شمرده‌اند. مهمترین نکته درباره نامه‌های ختنی نخستین بار توسط هیروشی کُومامُتو ارائه شد که این نامه‌ها منظوم هستند و برخلاف سایر نامه‌های موجود به دیگر زبان‌های ایرانی میانه، نامه‌های ختنی از لحاظ ادبی نیز درخور توجه‌اند. در عبارت‌های آغازین نامه‌های خصوصی، فرستنده نامه ابتدا با ضمیر اول شخص مفرد «من» به خود اشاره می‌کند، سپس لقب و عنوان خود را می‌آورد و پس از آن به احوالپرسی از گیرنده نامه می‌پردازد. از جمله این نامه‌ها، نامه‌ای است که یک پزشک به همکار پزشک خود نوشته و جویای احوال اوست و یا نامه‌ای که شوهری به همسر خود نوشته و در آغاز نامه چنین می‌نوسد: «من، ای‌زمانه، در حضور همسرم تعظیم می‌کنم» (spāta)

پایان دارای تاریخ هستند و در پشت نامه، نام گیرنده ذکر شده است. (īramaña neri śamdā haṃbajai hūñūṃ) . بیشتر نامه‌های ختنی در

در آثار مورخان عرب، یونانی و رومی می‌توان گزارشهایی درباره نامه‌هایی که شاهان ایرانی در دوره میانه به پادشاهان دیگر نوشته‌اند پیدا کرد. در برخی از این آثار، نامه‌ها به عربی و از آن طریق به فارسی ترجمه شده‌اند. به عنوان مثال طبری درباره نامه خسرو انوشیروان به نعمان بن منذر نوشته که عبارت آغازین آن چنین است «از کسری، شاهنشاه، به نعمان بن منذر» و در جای دیگر از همین شاه نامه‌ای نقل می‌کند که «بنام خدای بخشنده مهربان، از پادشاه کسری پسر قباد به سوی واری پسر خیرجان فاذوسبان آذربایجان و ارمنیه و توابع و دنباوند و طبرستان و توابع، سلام بر شما». مورخان دیگر نظیر مسعودی و ابن‌نديم نیز درباره نامه‌های شاهان ساسانی نوشته‌اند.

همچنین مورخ رومی به نام آمیانوس مارسلینوس (Ammianus Marcellinus) در اثرش به نام «تاریخ آمیانوس مارسلینوس» نامه‌ای را که شاپور دوم به گنستانتیوس نوشته آورده است. این اثر که فقط از جلد چهارده تا سی‌ویک آن باقی مانده، مشتمل بر ذکر وقایع سالهای ۳۵۳ و ۳۷۸ میلادی است. چون آمیانوس در لشکرکشی‌های روم به آسیا در سال ۳۶۳ م شخصاً حاضر بود، تفصیل این مجادلات را نگاشته و اطلاعات بسیار مهمی در خصوص ایران و ایرانیان بر آن افزوده است.

مورخ ارمنی، پاتکانیان در کتاب خود القابی را که شاپور در نامه‌های رسمی خود به امرای ارمنستان می‌نوشت، از این قرار قید کرده است: «با افتخارترین (یا شجاع‌ترین) مزداپرستان، شاهنشاه، آفتاب مرتبت، با افتخارترین دلیران، شاهنشاه ایران و انیران»^۴

شاهنامه نیز تعدادی از نامه‌های شاهان را درباره امور نظامی به شاهان دیگر نقل می‌کند. این نامه‌ها با ستایش

^۴ - کریستنسن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، انتشارات صدای معاصر، ۱۳۷۸، ص ۱۷۴

خداوند و پس از آن درود فرستادن بر گیرنده نامه آغاز می‌شود و این یکی از صورتهایی است که برای آغاز نامه‌های رسمی در رساله «آیین نامه‌نویسی» ذکر شده است.

چنانچه به آثار مربوط به آغاز دوره زبان‌های ایرانی نو توجه کنیم، با نامه‌ای مواجه می‌شویم که بسیار درخور توجه است. نامه دندان اویلیق، از قدیمی‌ترین اسناد فارسی-یهودی است که در ابتدای قرن بیستم توسط سر اورل اشتاین (Stein)، در محلی به همین نام کشف شد و نظر بسیاری از محققان را جلب کرد. این نامه از آن جهت که از جمله نخستین آثاری است که به زبان فارسی یهودی نوشته شده است، دارای شواهدی است که چگونگی نگارش نامه در دوره میانه را نشان می‌دهد. این نامه نیز با ستایش خداوند آدونای آغاز می‌شود و نگارنده گله‌مند است که چندین نامه نوشته، اما پاسخی دریافت نکرده است! (شبیه این گلایه در نامه‌های سغدی نیز می‌توان دید)

در پایان این نوشته بخشی به دبیران اختصاص یافته. اگرچه اطلاعات جامع و کافی نیست اما اهمیت این طبقه اجتماعی را خصوصاً در جامعه ساسانی تا حدودی نشان می‌دهد. دبیران در دربار شاهان از افراد بسیار نزدیک و مورد اعتماد شاه بودند. آنها علاوه بر وظیفه نگارش نامه، ترجمه نامه‌هایی را که به زبان‌های دیگر از سوی شاهان ممالک دیگر فرستاده می‌شد عهده‌دار بودند.

پیشینه تحقیق:

تا کنون در مورد چگونگی آیین نامه‌نگاری در زبان‌های ایرانی میانه تحقیق مستقل و جامعی صورت نگرفته است. با این حال دانشمندان مختلف در آثاری چند به بررسی تعدادی از نامه‌ها به صورت مجزا پرداخته‌اند.

دکتر احمد تفضلی در مقاله‌ای با عنوان «Correspondence in Pre-Islamic Persia» به بررسی تعدادی از نامه‌ها در دوره میانه پرداخته است. در این مقاله نامه‌های خسرو دوم، پاپیروس‌نوشته‌ها و نامه‌های بلخی بررسی نشده‌اند زیرا در